



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۱/۲۷

ملالی موسی نظام



International Day for the Elimination of Violence against Women

فعالیت شانزده روزه مبارزه جهانی منع خشونت بر زنان

طوری که از عنوان بالا مشعر است، برای بزرگداشت مبارزه برای منع خشونت در جهان، در حدود ۱۶ روز تعیین گردیده است تا مؤسسات حقوق بشر و ممالک جهان بتوانند در چنین یک امر مهم و حیاتی که نیمی از حالات زندگی باشندگان کره ارض را احتواء می نماید، اشتراک ورزند و تا حد امکان در رفع و منع جدی خشونت بر زنان، فعال و مبارز گردند.

تاریخچه چنین فیصله ای بر میگردد به سال ۱۹۸۱ که گروپ های فعال حمایت از حقوق زنان روز ۲۵ نوامبر را منحصی سالگرم مبارزه برای «منع خشونت بر زنان» انتخاب نمودند؛ اصل ماجرای که سبب چنین حرکت مهمی برای حفظ موقف زنان از مظالم وسیع در جهان گردید، مربوط به جریانی می شود که در چنین روزی به سال ۱۹۶۰ سه زن بنام خواهران «میرابل» به هدایت رئیس دولت جمهوری دومینیکن، به نحو غیر انسانی و وحشیانه ای اعدام گردیدند.



در ۲۰ دسمبر سال ۱۹۹۳ اسامبله عمومی ملل متحد با اعلام فیصله نامه ای «منع خشونت بر زنان» را رسمیت بخشید. بعد تر به اساس موافقت نامه ۱۷ دسمبر ۱۹۹۹ اسامبله عمومی ملل متحد، ۲۵ نوامبر هر سال روز جهانی «منع خشونت بر زنان» تعیین گردیده است که کمپاین این معضله وسیع بشری تا ۱۰ دسمبر دوام می یابد.

به اساس این فیصله نامه و اعلامیه مهمی که شرائط حیات ملین ها زن مظلوم و اکثرأ خاموش را در روی کره ارض احتواء می نماید، دولت ها، مؤسسات بین المللی، تشکیلات غیر دولتی و مؤسسات خیریه دعوت گردیده اند تا در چنین کمپاینی جداً حصه گرفته و با پشتی بانی از پیام ارزشمند و مهم «**منع خشونت بر زنان**»، قدم های مثبتی برداشته و با پشتکار و مراعات قانونیت، به این صدای عدالت خواهی عملاً لبیک گویند. سرمنشی سابق ملل متحد «**بان کیمون**» در کمپاین چند سال قبل خویش از جانب سازمان ملل در زمینه موضوع خشونت بر علیه زنان چنین عنوانی را برگزیده است: «**در مقابل خشونت علیه زنان متحد شوید!**» نامبرده همه مردم جهان را دعوت مینماید که با انتخاب رنگ مشترک «**نارنجی**» در مبارزه شرکت نموده و خشونت علیه زنان را در دنیای ما خاتمه بخشند!



در افغانستان از مظلوم غیر انسانی مرد سالاری، زنان به خود سوزی پناه میبرند

با اینکه در مواد ارزشمند خود اعلامیه جهانی حقوق بشر از جانب ملل متحد برای اعضاء، «**منجمله افغانستان که رسماً آنرا امضاء نمود**» که بعد از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۸ رسمیت حاصل نمود، در حمایت از حقوق انسانی، پشتیبانی از حقوق زنان هم منحیث اعضاء جوامع بشری شامل آن بوده است، ولی مراعات و احترام به چنین موادی، در اکثر ممالک رو به انکشاف، عملاً صورت نگرفته است.

ناگفته نماند که امسال بعضی از جوامع، مثلاً اجتماع اضلاع متحده امریکا مبارزه منع خشونت بر علیه زنان را به امحای عمل قبیح «**تجاوز جنسی**» بر زنان اختصاص بخشیده است که در حقیقت این جرم ناجایز در اکثر دول متأسفانه در حال انکشاف میباشد. این کشور برای منع چنین عمل شنیع همکاری جهانی را برای اقدامات جدی در راه امنیت و حمایت از موقف زنان و دخترانی که در ممالک مختلفه با چنین خطری مواجه اند جلب می نماید.



در افغانستان که زنان همیشه سنگ زیرین آسیاب بوده اند و حق و حقوق شان حتی آنچه را قوانین دولتی، مقررات اسلامی و افغانی هم پیشکش این قشر محروم اجتماع نموده است، سخت پامال جفای بی عدالتی و مرد سالاری

می گردد، دردا که موجودیت جنگ های خانمان سوز پیهم و بی مجال، آوارگی و عدم وجود مراعات و عرف پسندیده افغانی که به زن به چشم خواهر و مادر دیده میشد، کاملاً محو و نابود گردیده است.

خشونت خانوادگی که منجر به خود سوزی و یا شکنجه زن از جانب شوهر و فامیل وی میگردد، نهایت طاقت فرسا و غیر انسانی است که در افغانستان متأسفانه بازخواست و علاحی را در قفا ندارد. در پهلوی شکنجه های ددمنشانه ای که مردادن اعم از شوهران، تجاوزگران، زورمندان و حتی اعضای فامیل چون پدران و برادران بر دختر و زن مظلوم افغان روز بروز بیشتر وارد مینمایند، سهم کمرنگ و اغماض دولت را در عدم اجراء و حمایت از عدالت و بازخواست، نباید نادیده گرفت.

اگر برای پشتیبانی از چنین روزهایی برای بلند ساختن صدای در گلو خفته زن محروم و مظلوم افغان، صفحاتی را سیاه نمایم، باید به نوشتن مثنوی هفتاد من کاغذ روی آورد؛ حتی نمونه های زجر و شکنجه ای که بر قشر اناث افغان هر لحظه و هر دم با عنف و خشونت تحمیل میگردد، از حساب بیرون بوده و دردا که هر روز نمونه های ابتکاری و ضد بشری آنرا در سرزمین ویران خویش با عدم وجود قانونیت، به چشم سر مشاهده می نمایم. متأسفانه با گذشت سال ها در افغانستان گراف خشونت بر زنان و دختران افغان قوس سعودی را پیموده و به یک فیصدی رو به تزاید خشونت های خانوندگی از یکطرف و مظالم اجتماعی از جانب دیگر جنایاتی را می آفریند



جنایت فجیع و شرم آور قتل فرخنده شهید در کابل، روی انسانیت را سیاه نمود

که روی انسانیت را سیاه می نماید. البته در پهلوی جنگ ها و آتشی که جامعه را در خود فروبرده است، بی بازخواستی و پامال قانون هم صدای خفته زن و دختر افغان را هرچه بیشتر در گلو خفه می نماید. گرچه قانون منع خشونت بر زنان بالاخره رسمیت پیدا نمود، ولی امکانات عملی آن در اجتماع فاسد آنقدر کمرنگ است که بهبودی ای در حال نصفی از نفوس مملکت دیده نمیشود.

زمانیکه جنایت بشری غیر قابل باور در مورد «فرخنده شهید» در حوالی سال نو در شهر کابل و جوار مسجد شاه دوشمشیره رخ داد، با اعتراضات وسیع و بلند شدن صدای عدالت و انصاف برای حمایت از حقوق زن نهایت مظلوم افغان در حال و آینده، امیدواری هایی خلق گردید که گویا منبعث توجه دولت و دستگاه قضایی به اموری که حقوق زن افغان را تا حد وقوع جنایت پامال نماید، به پشتیبانی از قانون، هرچه بیشتر از جانب آن مراجع رسمی جلب میگردد. ولی دیری نگذشت که حتی محکمه جنایتکاران آن فاجعه بشری یکی بعد دیگر معافیت و امن یافتند و دیگر یادی از آن جریان در خاطره ها باقی نمانده و به فراموش خانه تأریخ سپرده شد. هیئات!